

## خالی از شوخی

وزارت کشور و وزارت ارشاد ممنوع اعلام شده است تا آن‌ها riot نکنند.  
 \* قیمت مرغ بار دیگر در بازار ایران ترقی شدیدی داشت. وزیر اقتصاد و دارایی و وزیر بازرگانی اعلام کردند که ممکن است به زودی مرغ هم مانند نقره و طلا و پلاتین در بازار بورس تهران مبادله و معامله گردد.

### این هم شد مملکت؟

دیروز رفته بودم برای اتاقم یک پوستر بخرم. از یکی خیلی خوشم آمد و از فروشنده پرسیدم: چنده؟  
 گفت: ۵۰ هزار تومان!  
 کلام سوت کشید. به یارو گفتم: به جایش ۵۰ تا اسکناس خمینی را قاب می‌کنم که هم ارزان‌تره و هم اگر یک روزی خواستم آدامس بخرم می‌تونم اسکناس‌های توی قاب عکس را بفروشم.  
 \*\*\*

معنی «تشویش اذهان عمومی» این است که وقتی ملت توی صف خرید دلار جلوی بانک ملی ایستاده‌اند و بانک هم دلار ندارد که بفروشد یک اسکناس یک دلاری آمریکایی را روی تی‌شرت خودت سنجاق کنی و مرتب جلوی آن‌ها رژه بروی!  
 \*\*\*

رفتم چلوکبابی دیدم چلوکباب ۱۵ تومانی شده ۲۵ تومان (هزار تومان). از یارو پرسیدم: حاج آقا چرا اینقدر گران؟  
 جواب داد: دلار رفته بالا و گوشت وارداتی هم گران شده!

گفتم: حاج آقا، به اون مک‌ای که رفتی قسم این تابلوی «کباب‌ها با گوشت‌های صد در صد محلی تهیه می‌شوند» را بردار تا تقیهات خنده‌دار نباشد!  
 عصبانی شد و با سیخ کباب تهدیدم کرد که بزنم به چاک!  
 \*\*\*

اعلام کرد سیاست ارزی دولت تا اتمام تحریم‌ها همان سیاست ارزی زمان خاتمی، رفسنجانی و احمدی‌نژاد خواهد بود. او گفت: تنها فرق ما با دولت‌های قبلی این است که صرفاً ما را اعدام نمی‌کنیم بلکه به زندان ابد می‌اندازیم.  
 \* دلار به مرز بی‌سابقه نه هزار تومان رسید و رییس بانک مرکزی اعلام کرد که دولت نقدینگی و دلار کافی دارد و هر لحظه اراده کند می‌تواند دلار را به هشت هزار و ۹۰۰ تومان برساند و تحریم‌های آمریکا را خنثی کند.

\* وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد که بر اساس آمار و تحقیقات انجام شده ذخیره زیرزمینی نفت ایران در عرض دو سال آینده تمام خواهد شد. رییس جمهور جدید ایران این خبر را ساخته و پرداخته رسانه‌های صهیونیستی خوانده و برای وزیر نفت تقاضای اعدام کرده است.  
 \* وزارت بازرگانی اعلام کرد که به علت عدم گنجایش ظرفیت زندان اوین برای زندانیان جدید که همگی آن‌ها سیاسی نیستند شعبات جدید این زندان را در اقصی نقاط ایران دائر خواهد کرد و اداره آن‌ها را به بخش خصوصی واگذار خواهد نمود. قرار است سهام زندان اوین در بازار بورس تهران عرضه و معامله و مبادله شود.

\* بانک مرکزی اعلام کرد با وجود این که تحریم‌های غرب بر اقتصاد ایران اثری نداشته اما تا اطلاع ثانوی میزان ارز مسافرتی را از هزار و ۲۰۰ دلار به ۲۰ دلار تقلیل داده است که حداقل انعام حملان فرودگاه‌های خارج پرداخت شود و مسافران ایرانی در خارج شرمندگی نشوند.  
 \* به علت افزایش دلار جایزه نقدی کشتن سلمان رشدی به مبلغ سه میلیون دلار تغییر کرد که قرار است دولت ایران آن را در سه قسط هر ده سال یک بار به قاتل خوشبخت پرداخت نماید.  
 \* به علت شکراب شدن رابطه ایران با روسیه به علت حمایت از سیاست‌های آمریکا، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد به زودی کنسرت گروه «پوسی رایت» که آهنگ‌های ضد پوتین می‌خوانند را در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد کرد. شرکت زنان در این کنسرت از سوی

وی گفت: اعلام عمومی نرخ تورم ممکن است باعث این توهم شود که ارزاق و اجناس گران‌تر شده‌اند و نوعی تشویش عمومی ایجاد شود تا مردم فکر کنند که تحریم‌های غرب کارساز بوده است.  
 او اضافه کرد: مردم به آمار ما چکار دارند؟ خودشان بروند دنبال خریدهای روزانه و نرخ تورم را محاسبه کنند. ما حرف مردم را قبول داریم.

### مناظره رامنی و اوباما

در آخرین مناظره بین میت رامنی و باراک اوباما که در فلوریدا برگزار شد و مربوط به برنامه‌ها و نظرات این دو کاندیدای ریاست جمهوری در مورد سیاست خارجی آمریکا بود، میت رامنی به اوباما گفت: شما از جنبش سبز ایران حمایت نکردید.

باراک اوباما در پاسخ گفت: در عوض از جنبش دلار سبز آمریکا در ایران حمایت کردیم!

### اخبار ۳ سال آینده

برعکس روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر که فقط اخبار امروز را می‌نویسند ما در این قسمت اخبار سال‌های آینده را هم برای شما جمع‌آوری و درج می‌کنیم.  
 خبرنگار مخصوص ما که از ما پول ماموریت فوق‌العاده گرفته و راضی شده که به زمان آینده مسافرت کند اخبار سه سال آینده را برایتان مرتب می‌فرستد. از او می‌پرسیم چرا بلیت فرعه‌کشی بخت آزمایی و لاتاری و از این چیزها نمی‌خری که پولدار شوی؟ جواب می‌دهد: این کار را برای عشق به وطنم می‌کنم و توقع مالی ندارم و همان فوق‌العاده ماموریت‌هایی که به من می‌دهید کافی است! خبرهایی که او فرستاده است به قرار زیر می‌باشد.  
 \* امروز قالیباف، رییس جمهور جدید ایران که می‌گوید با آرای ۶۵ درصدی پیروز شده،

طی نامه‌ای به احمدی‌نژاد نوشته است: محمود خان! آیا بهتر نیست بجای ملاقات زندانی‌ها وقت خودتان را برای حل مشکلات و مسائل بی‌شمار مملکت صرف کنید؟  
 آیا دیدار از این زندانی‌ها و این که حقوق بشری آن‌ها حفظ می‌شود یا نه باعث حفظ ارزش ریال خواهد شد؟ آیا دست دادن با این زندانی‌ها به اندازه ارزش دست دادن با باراک اوباما برای شکستن و توقف تحریم‌هاست؟  
 آیا اگر حتی درست گفته باشند که این زندانی‌ها تحت شکنجه‌های روحی و جسمی فراوانی هستند این باعث می‌شود که صدای اعتراض شما به وضع زندانی‌ها گوانتاناموی کوبا و رفتار آمریکایی‌ها با آن‌ها کوتاه‌تر گردد؟  
 ما بازدید شما از اوین را در این شرایط مناسب نمی‌دانیم و در چهارچوب ارزش‌های انقلابی ایران اسلامی پذیرش تقاضای شما را در مصلحت رژیم نمی‌دانیم.

البته حق انتخاب با شماست. شما طبق قانون اساسی کشور رییس ما هستید و ما باید از اراده شما اطاعت کنیم. با توجه به تمام هشدارها و اخطارهای ما هنوز هم اگر خواستید از زندان اوین بازدید نمایید دو چیز را فراموش نفرمایید: اول: محافظان شخصی که از حمله زندانی‌ها به شما ممانعت کنند و خطری متوجه شما نباشد.

دوم: یک چتر سیاه بزرگ برای دفع آب‌دهن و تف انداختن زندانی‌ها به سوی شما در طول مدت بازدید از زندان. موفق و موید باشید.  
 مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر حقوق بشر.

### نرخ تورم

سخنگوی سازمان آمار جمهوری اسلامی گفت: نرخ تورم را برای عموم اعلام نمی‌کنیم و فقط آن را به مدیران مسئول کشور گزارش خواهیم کرد.



مسعود ناصری

massoudnasseri@comcast.net

### نامه هشدارآمیز

تقاضای محمود احمدی‌نژاد برای بازدید از زندان مخوف اوین از سوی مقامات قوه قضاییه رد شد. او بعد از هفت سال تازه به صرافت این افتاده بود که سیستم مدیریت از طریق روش مهرورزی را عملاً تجربه کند و از نزدیک زندانیان سیاسی مهم ایران (با وجود این که به گفته مسئولین در ایران زندانی سیاسی نداریم) را ملاقات نماید.  
 بسیاری از رسانه‌های خارجی رد تقاضای احمدی‌نژاد برای بازدید از اوین را نوعی تایید کم‌ارزش بودن و بی‌اهمیت بودن و به حساب نیامدن او از سوی ملایان عنوان کرده‌اند. صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی،

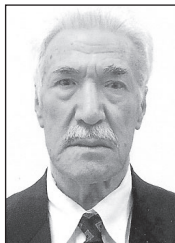
## کانون دوستداران فرهنگ ایران

### IRANIAN CULTURAL ASSOCIATION

James Madison High School, 2500 James Madison Drive, Vienna, VA 22181

در کافه تریا - ورودی از ساختمان شماره یک یا سه

دوشنبه ۲۹ اکتبر (۸ آبان)



### حقوق زن در اسلام

سخنران: سید سعید موسوی‌نژاد

دوشنبه ۵ نوامبر (۱۵ آبان)

### نمایش فیلم سینمایی: ((چریکه تارا))

کارگردان: بهرام بیضایی

معرفی و نقد و تحلیل فیلم توسط: تقی مختار

محل نمایش: سالن وارهاک مدرسه جیمز مدیسون



ترتیب برنامه: ساعت ۷، صرف چای و شیرینی و دیدار دوستان؛ ساعت ۷ و نیم: شروع برنامه

تلفن‌های اطلاعات کانون:

703-283-9221

703-474-8956

E-mail: info@kanooneiranian.org

www.kanooneiranian.org

## اشتراک هفته‌نامه «ایرانیان»

نشریه‌ای که می‌پسندید و به آن ارج می‌نهدید

### Subscribe To IRANIANS Weekly Publication

	One Year (52 Issues)	6 Months (26 Issues)	
USA	\$130.00	\$65.00	ایالات متحده آمریکا
Canada	160.00	80.00	کانادا
Europe	320.00	160.00	کشورهای اروپایی
Iran & Middle East	320.00	160.00	ایران و خاورمیانه

#### نحوه پرداخت:

• از طریق چک بانکی یا Money Order: کلیه وجه ارسالی می‌باید به دلار آمریکائی بوده و صادره از یکی از بانک‌های آمریکائی موجود در ایالات متحده باشد.



• از طریق کارت اعتباری: فرم زیر یا فتوکپی آن را پرکرده همراه با شماره کارت اعتباری و تاریخ انقضای آن برای ما فکس و یا پست فرمائید.

YES! Please enter a  one year,  six months subscription to IRANIANS in the following name

Name .....

Address .....

City .....

State ..... Zip.....

Phone .....

Email .....

Washington Iranians Media, Inc.

P. O. Box 2023, Ashburn, Virginia 20146, United States

Tel: 703.724.9680 Fax: 703.724.9689



سوار تاکسی شدم و راننده تاکسی گفت: کجا؟

گفتم: آزادی.

گفت: میشه ۲۰ تومان.

گفتم: اهه! دیروز ۱۰ تومان بود.

گفت: آره! دیروز دلار هم دو هزار تومان بود امروز شده چهار هزار تومان.

یک خرده تردید به خرج دادم. سرم داد زد: معطل چی هستی؟ دو سه ثانیه صبر کنی ۴۰ تومن میشه!

نگاه کردم دیدم جلوی داشبوردش به جای تاکسیمتر «آی فون» گذاشته و سایت «مقال دات کام» روی صفحه آمده!

\*\*\*

رفتم بانک مرکزی سر به سر مسئول فروش ارز بگذارم.

گفتم: حاج آقا، هزار دلار لازم دارم.

پرسید: مسافری؟ پاسپورت داری؟ بلیت داری؟

گفتم: نه! هزار دلار لازم دارم سگم را فورا برای معالجه خونریزی لثه بفرستم به کشور صهیونیستی اسرائیل برای عمل جراحی و موقعی که سگم بستری شده یک توک یا پریم آنتالیا بترکیه چند روزی با دوست دخترم صفا کنم!

\*\*\*

به دوست دخترم زنگ زدم و گفتم: باشو بیا اینجا دو سه ساعت با هم خلوت کنیم.

دوست دخترم از اون شکموهاست. پرسید: چی داری بخوریم؟

توی خونه دو سه تا تکه نان بیات به خرده پنیر کهنه کپک زده داشتم. جواب دادم: مرغ دارم، می‌تونیم با هم ساندویچ درست کنیم.

هنوز گوشی را نگذاشته بودم که پشت در آپارتمان داشت زنگ می‌زد که بیاد تو. این علم تقیه واقعا چیز خوبیه و همیشه کار می‌کنه!

## دلار ده هزار تومانی

طبق خبری رسیده از یک منبع موثق نزدیک به مقام رییس جمهوری و مقام معظم، گویا قرار است دولت برای کنترل قیمت دلار فعلا کاری

### بقیه از صفحه ۱۱

دولتی (سابق) درباره نظام بی بربریم و آن، اعتقاد واقعی به مشروعیت نظام است. همان مشروعیتی که نمی‌خواهند بایک منبع مشروعیت دیگر، یعنی حضور دوباره مردم در قالب یک قیام برانداز یا یک انتخابات آزاد، تعویض کنند. به همین دلیل نیز دبیرکل سابق حزب مشارکت بر این امر تأکید می‌کند که «ما شدیدترین انتقادات را داریم و آن‌ها را عنوان می‌کنیم اما این انتقادات را به نظام نسبت نمی‌دهیم، چون فکر می‌کنیم این نظام برآمده از خواسته‌های ملی مردم این کشور است و همه ما برای تحقق این نظام زحمت کشیده‌ایم.»

به عبارت روشن‌تر، این نظام از ماست و ما از این نظام هستیم، چگونه می‌توانیم این دو را از هم تفکیک و خود را به شکلی یا به نوعی در مقابل نظام قرار دهیم؟ او جایگاه جریان اصلاح‌طلبان را به خوبی در درون و نه در بیرون نظام ترسیم کرده و می‌گوید: «... در این که ما به این قانون اساسی که یک اصلش هم ولایت فقیه است، التزام داریم، تردیدی وجود ندارد.» به عبارت دیگر، اگر می‌خواهید بدانید که اصلاح‌طلبان کجای صفحه شطرنج سیاسی ایران ایستاده‌اند باید آن را در کنار مهره اصلی یعنی ولی فقیه نظام ببینید.

حتی در جریان جنبش سبز نیز، میرحسین موسوی در بیانیه‌های متعدد خود بر پای‌بندی به قانون اساسی جمهوری اسلامی به صورت روشن پای فشرده بود: «بنده به عنوان یک همراه جنبش عظیم سبز مردمی... می‌اندیشیدم که تا اصلاحات لازم با تکیه بر اصول روشن که می‌توان آن‌ها را از قانون اساسی استخراج کرد، صورت نگیرد، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت.»

دبیرکل سابق حزب مشارکت بطور صریح حتی وظیفه مردم را نیز در این باره تعیین کرده و حکم می‌کند که «عقیده من این است که مردم خواهان اصلاح هستند و می‌خواهند که روندها بهبود پیدا کنند، اما خواهان زیر و رو شدن همه چیز نیستند.» آنچه برای وی و سایر نظریه‌پردازان این جریان نگرانی‌آفرین به نظر می‌رسد همانا «زیر و رو شدن همه چیز» است، امری که به گفته

انجام ندهد و صبر کند که دلار به ده هزار تومان برسد. در آن زمان دولت به جای حذف سه صفر از ریال می‌تواند چهار صفر از ریال ایرانی حذف کند! این سیاست دولت پیش‌بینی‌های برنامه «چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران» را بیشتر به واقعیت نزدیک خواهد کرد! گفته شده که اگر حذف صفرها قبل از رسیدن دلار به ده هزار تومان صورت گیرد ارقام اعشاری ریال و دلار ملت را گیج خواهد کرد؛ و دلار فروشان می‌توانند سر مردم کلاه بگذارند؛ مخصوصاً مردمی که ریاضیاتشان خوب نیست.

برای بسیاری از مردم سیاست ارزی دولت زیاد مهم نیست بلکه مهم این است که برای یکبار هم که شده در طول عمرشان یک دلار را با یک تومان بخرند!

## آدم موفق

می‌گویند در زندگی سه چیز هست که اگر رعایت کنید آدم موفقی می‌شوید. هیچ کس هم نمی‌داند این سه چیز چه چیزهایی هستند ولی برای راهنمایی گفته‌اند که نماز و روزه و حج در زمره این چیزها نیستند. اگر شما این سه چیز را پیدا کردید به ما هم بگویید که وقتمان برای پیدا کردنشان تلف نشود. موفق باشید.

## افکار عمیق

این هفته نوشتن مطلبی تحت عنوان «افکار عمیق» به علت خواندن اخبار و مقالات سطحی روزنامه «کیهان» ایران میسر نشد و آن را به شماره آینده موکول می‌کنم!

## گران‌ترین سینه‌بند جهان

سینه‌بند مارک «ویکتوریا سیکرت انجل» قرار است در روز چهارم دسامبر سال جاری توسط یک مدل معروف ایتالیایی به نمایش در آید. این سینه‌بند علاوه بر طلاکاری بیش از پنج هزار سنگ زینتی گران قیمت دارد. قیمت فروش

## تشدید محافظه‌کاری اصلاح‌طلبان دولتی

آنان، چنانچه قدری پایین‌تر خواهیم دید، باید از آن پرهیز کرد.

### دیدگاه مشترک اصلاح‌طلبان دولتی

موضع‌گیری محمدرضا خاتمی یک نمونه منفرد نیست. کلیه چهره‌های شاخص جریان اصلاح‌طلبی در درون طیف محافظه‌کاران به این مهم باور دارند و بر آن تأکید می‌کنند. برادر وی نیز که رییس جمهور سابق نظام بود به صراحت اعلام داشته است: «راهی به جز اصلاح‌طلبی نداریم و براندازی نمی‌خواهیم و با کسانی هم که آن را می‌خواهند رابطه نداریم.» ماهیت محافظه‌کار چهره نخست جریان اصلاح‌طلبی را می‌توان در این سخن دید که «تازه‌اگر خدای ناخواسته اوضاع به‌هم بخورد وضع همه بدتر خواهد شد... باید همین چهارچوب حفظ شود.» به سخن دیگر، فرق نمی‌کند که نظام چه کرده و چه می‌کند و چه خواهد کرد، مهم این است که «اوضاع به‌هم» نخورد و «همین چهارچوب حفظ شود.»

این دو نمونه از دو برادر، می‌تواند با نمونه‌های دیگری کامل شود. بطور مثال می‌توان از محمد نوری‌زاد نام برد؛ از نزدیکان سابق ولی‌فقیه که مغضوب شد و اینک در ترکیب غریبی از فلسفه و سیاست و عرفان و افشارگری و خیرخواهی و نصیحت و تهدید و التماس و اتمام حجت و پیش‌بینی و پیش‌گیری به نوشتن نامه‌هایی به «رهبر عزیز» خود مشغول است تا شاید بتواند از سر خیرخواهی و با ابزار پند و اندرز، ولی فقیه نظام را به سازش و نرمش وادار سازد. وی در پیچه دیگری را برای طیف محافظه‌کار گشوده است که بر مبنای آن می‌توان مبارزه با نظام را با رجوع به خود رهبر نظام به پیش برد؛ یعنی نیاز به ستیزه‌جویی و فعالیت براندازانه و امثال آن نیست. آنقدر باید بنویسید و بگویید تا شاید روزی دل «رهبر» به رحم آید و بدی‌ها را کنار گذارد و راه نیک پیش گیرد.

نوری‌زاد در سلسله نامه‌هایی که خطاب به «رهبر» نوشته است با آوردن ادله و استدلال‌های منطقی و احساسی و مذهبی و اخلاقی سعی کرده است که علی‌خامنه‌ای را از ادامه مسیری که در

این سینه‌بند حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار دلار تخمین زده شده است!

البته از امروز تا چهار دسامبر کلی وقت باقی مانده و اگر روند بالا رفتن قیمت‌ها در ایران ادامه پیدا کند این سینه‌بند از سینه‌بند معمولی خانم‌های ایرانی که در فروشگاه‌های خیابان میرداماد عرضه می‌شود ارزان‌تر خواهد بود.

## لب‌های داغ

از مجموعه قصه‌های نیمکت پارک (۶) از دور که سر و کله‌اش پیدا شد لیخندی صورتم را باز کرد. مثل یک هلو بود. البته من گلایی را از هلو بیشتر دوست دارم ولی برای این که خوشگلی او را توصیف کنم مجبورم از این هلو استفاده کنم تا بفهمد چه تیکه‌ای است.

آمد و کنارم روی نیمکت پارک نشست و دست‌هایم را در دست‌هایش گرفت. دست‌هایش سرد بودند.

گفتم: وای دستات چقدر سرده؟ خندید و گفت: چرا مثل اواخواهرها حرف می‌زنی؟

گفتم: آخه دستات خیلی سرده. کجا بودی؟

خندید و گفت: داشتم برف بازی می‌کردم.

تعجب‌زده پرسیدم: برف بازی توی ماه شهریور؟ دوباره خندید و گفت: بابا! تو چقدر خنگی. اصلاجوک نمی‌گیری!

بعد خودش را به من چسباند و دستش را روی شلوار جین من گذاشت. من هم جرات پیدا کردم و دستم را فرو کردم توی سوراخ سرانوی شلوار جین او که از لای مانتویش بیرون زده بود. سوراخ به اندازه یک سکه یک قرانی بود ولی به اندازه یک سکه ۲۵ سنتی آمریکایی حال می‌داد. یکهو نوک انگشتم سوخت و فورا آن را از سوراخ شلوار بیرون کشیدم و توی دهانم گذاشتم.

با شرمندگی سرش را به طرف دیگر چرخاند و گفت: معذرت می‌خوام. امروز وقت نبود ساق پایم را اصلاح کنم.

او را به خودم فشار دادم و گفتم: به هر حال

پیش گرفته برحذر دارد، او گوش شنوایی نیافته و با وجود بارها «اتمام حجت» باز از نو آغازیده و نامه‌نگاری‌ها را ادامه داده است. وی در آخرین تلاش خود به حربه وساطت متوسل شده است. اواز «مراجع» می‌خواهد در این باره دخالت کرده و به «رهبر» گوشزد کنند که دست از سماجت اتمی خویش بردارد. وی امیدواری خود بر موثر بودن این راهکار را باز هم تکرار کرده و وارد پیش‌گویی و حدس و گمان‌های یقین‌نما شده است: «من معتقدم رهبر ما شب تا به صبح قدم می‌زند و دست بر دست می‌ساید تا مگر یک یا چند تن از مراجع ما آشکارا – و نه در پس درهای بسته – دست به ریش خود ببرند و عمامه از سر بگیرند و از رهبر بخواهند به انرژی‌های معطل کشور بسنده کنند و دست از انرژی هسته‌ای بکشند. من اطمینان دارم به محض رخ دادن این میانجی‌گری، رهبر عقب خواهد نشست. با این احتجاج که من روی هر که را بر زمین بیاندام، روی بزرگان و نخبگان دینی را بر زمین نمی‌اندام. بیایرید جام زهر را.» این تصور نوری‌زاد فقط ناشی از خوش‌بینی یا ساده‌انگاری وی نیست، بلکه همان باوری است که محمدرضا خاتمی نیز برای توضیح آن به قانون اساسی تمسک کرد. نوری‌زاد، خامنه‌ای را که پرونده حقوق بشری وی برای مردم ایران و مراجع بین‌المللی تا حد زیادی روشن است، هنوز رهبر خود می‌داند و شک ندارد که کارهایی مانند «دست به ریش» بردن و «عمامه از سر» گرفتن کافی است تا بتواند «رهبر» را به راه راست هدایت کند.

وی و بسیاری از محافظه‌کاران مخالف نمی‌توانند در ورای تغییر رفتار رهبری خط راهبردی دیگری را به جامعه در بن‌بست گرفتار شده پیشنهاد دهند. از همین روی پیوسته فقط بر یک راهکار تأکید دارند و آن این که باید از درون خود نظام همه چیز درست شود. دید آن‌ها نه ساختارگرانه که فردگرایانه است و همه چیز را در شخصیت رهبر نظام خلاصه می‌کنند، بی‌خبر از آن که ولی‌فقیه نیز تمام سیستم نیست، جزئی از سیستمی است که با ابزارها و از کانال‌های مختلف، خطوط راهبردی بقای خود را به او

## شوخی عکسی



به دنبال گرانی مرغ شهروندان تهران به کوشش‌های ارزان دیگر روی آورده‌اند!

آن نزدیکی بردم. شروع کرد به سؤال کردن و گیر دادن. کیف پولم را درآوردم و از لای آن یک سیگار آماده علف بیرون کشیدم و نشانش دادم. سن و سالی نداشت و بعید نبود که رشوه‌اینجوری را بیشتر از پول دوست داشته باشد. تازه پول هم نداشت. چندرزازی برای تاکسی دختره و دو تا ساندهیچ تمام دارایی من بود.

چشم‌های طرف برق زد و فورا سیگار را قاپید. دور و برش را نگاه کرد و فورا آن را در جیب یونیفورم خودش گذاشت. بعد لیخندی زد و گفت: خدا به شما ضد انقلاب‌ها عوض بده. شما بیشتر از انقلابی‌ها به ما حال می‌دهید!

لهجه غلیظ شهرستانی داشت و نمی‌دانستم که اهل کجاست چون نمرة جغرافیایم دو سه سال پشت سر هم صفر شده بود. بعد هم به من یک «های فایو» آمریکایی داد و رفت دنبال کارش.

به طرف نیمکت برگشتم اما از دخترک خبری **بقیه در صفحه ۳۳**

گل سرخی هستی که خار هم دارد. با عشوه خندید و صورتش را به طرف من آورد و لب‌هایش را روی لب‌هایم گذاشت. چند ثانیه هیچ کدام تکان نخوردیم تا آن که بوی سوختگی مو مشام مرا پر کرد. لب‌هایش برعکس دست‌هایش داغ داغ بودند و موهای سیبل مرا سوزانده بودند.

با دست‌چاچی دستکش‌اش را از کیف دستی‌اش در آورد و دو سه بار روی سیبل‌های من زد تا آتش خاموش شود. بوی سوختگی سیبل حسایی مرا پنجر کرد و خودم را کنار کشیدم. دیدم چند تار موی سیبلم به لب‌هایش چسبیده بود. با سر انگشت آن‌ها را از روی لبش پاک کردم.

ناگهان از دور سر و کله یک مزاحم پیدا شد. پلیس پارک بود. داشت به طرف ما می‌آمد. اوضاع خراب بود. باید یک فکری می‌کردم. بلند شدم و به طرف پلیس رفتم و او را به پشت درختی در

نیز دیکته می‌کند. رهبر مهره‌ای مهم در ماشین نظام است، اما مهره‌ای است در کنار دیگر اجزای سیستم و نمی‌تواند جدا یا ضد آن عمل کند، کاری که حتی شاید سبب حذف‌اش توسط عناصر قدرتمندی مثل سپاه یا بازار شود. به این ترتیب می‌بینیم که با بی‌توجهی آگاهانه یا ناآگاهانه به عوامل ساختاری، دیدگاه غالب جریان‌های طیف محافظه‌کار، دیدگاه «یا شانس و یا اقبال» است. یعنی تلاشی از سر امیدواری و آرزوی صرف و با شایدهای بسیار و باید‌های نه چندان دردسرساز. در این میان چیزی به اسم استراتژی تغییر نمی‌بینیم، تلاش‌ها در این حد است که «... اقایان یک یا علی بگویند و آشکارا بر این سخن متحد شوند.» و اگر تلاش کردند و نشد «به دنبال کار و زندگی خود» بروند. شاید یکی از دلایل مشخص جدی گرفته نشدن این جریان در جامعه و ریزش گسترده عقبه اجتماعی جریان محافظه‌کار هم همین باشد که هیچ افقی در برابر حرکت آن‌ها دیده نمی‌شود، هیچ خط‌ریزبری و ترسیم مسیر متفاوتی در آن نیست. تنها تکرار است و اصرار تا جایی که برای کل نظام دردرس ساز نباشد و پس از آن دیگر هیچ. گویی کرانه تحول تاریخی جامعه ایران بقای نظام است نه بقای ایران.

### تلاش‌های آخر یا آخرین تلاش‌ها

در این گرایش حتی وقتی صحبت از «صلح و آزادی» است در حد یک بیانیه و درخواست از خود حکومت است: «ما از حاکمان ایران می‌خواهیم هر نوع بهانه‌ای برای جنگ و فشار و تحریم اقتصادی را متوقف و خنثی کنند تا جنگ افروزان ناامید شوند. ما می‌خواهیم به جهانیان بگوییم که صلح و آزادی و حقوق بشر حق مسلم ماست.» پس این خود حاکمان هستند که باید برای جلوگیری از فاجعه اقدام کنند. این‌ها نیز اقدامات خود را، هم چون آرزوهای محمدرضا خاتمی و امیدهای محمد نوری‌زاد، بر آرزو و امیدواری استوار کرده‌اند تا شاید که گوش شنوایی در حکومت باشد و چنین کند. به این ترتیب در می‌پاییم که طیف محافظه‌کار و جریان شاخص آن، اصلاح‌طلبان، تغییر را

می‌خواهند اما تنها از دریچه «پرسمان» از حکومت؛ نوعی «گفتمان»‌گرایی که در درون خود خطوط قرمزی دارد که عنوان «خشونت پرهیزی» به خود گرفته است. در این چهارچوب، «خشونت» همان کدی است که به تدریج بیانگر ضرورت پرهیز از هرگونه حرکت دردسرساز و عمل مشخص علیه رژیم است. سفارش آنان بر این است که با انتشار بیانیه، طومار، نامه‌نگاری و مصاحبه و سخنرانی کاری کنیم، به دنبال آن نباشیم که از مرز گفتارگرایی فراتر رویم چرا که ممکن است باز «چرخه خشونت» ایجاد شود.

به نظر بسیاری، جریان محافظه‌کار نقش ترمز را برای اپوزیسیون برانداز ایفا می‌کند، یعنی اجازه نمی‌دهد که ایده ضرورت انحلال نظام و استقرار یک نظام متفاوت در جامعه جا بيفتد. محافظه‌کاران نسبت به نقش خود در این باره آگاهند، اما این را یک عیب نمی‌بینند، زیرا نمی‌توانند سهر د دیگری برای بقای خویش یا حتی برای جامعه ایرانی در نظر بگیرند. آن‌ها در چهارچوب‌های منجمد نظامی گرفتارند که جمود فکری دارد و بعید است که با توجه به میانگین سنی خود بتوانند از این دیدگاه سه دهه‌ای خود درگذرند. تنها اراده واقعیت مادی در حال تغییر می‌تواند تکذیبی باشد بر پافشاری محافظه‌کاران مخالف در ضرورت پای‌بندی به حفظ نظامی که کارنامه عمومی سی و سه سال‌اش هر روز سیاه‌تر می‌شود.

برگرفته از پایگاه اینترنتی «رادبو زمانه»

## تلفن سفارش آگهی

### در هفته‌نامه

**«ایرانیان»**

**703.724.9680**

## بررسی نقش مدرنیسم...

بقیه از صفحه ۱۷

این است که برای دست یافتن بر نمادهای مورد نظر خود بار دیگر به سنت روی می‌آورد و برای نمونه واژه «شب» را که از دیرباز به صورت نهادی برای بیان ظلم و اختناق سیاسی در شعر فارسی، به خصوص در غزل‌های حافظ، به کار بسته شده، وام می‌گیرد. اگر به غزلی از حافظ که با سر بیت «روز هجران و شب فرقت یار آخر شد» مراجعه کنیم به بیتی برمی‌خوریم که می‌گوید:

«صبح امید که بد معتكف پرده غیب  
گو برون آی که کار شب تار آخر شد»

دکتر رضا قنادان در خاتمه پس از اشاره به این نکته که توضیح داد چنین به نظر می‌رسد تمام شعرهای نمادین نیما که در آن‌ها از مفهوم «شب» بهره گرفته شده از درون این بیت زابیده شده‌اند سخنرانی خود را با ارائه تحلیل کوتاهی از شعر «چوک چوک!» نیما به پایان برد.

پس از خاتمه سخنرانی دکتر رضا قنادان و پاسخگویی وی به پرسش‌های برخی از حاضران در جلسه، از هنرمند جوان ریچارد (پیچی) برومندان دعوت به عمل آمد تا به سه‌تار خود چند قطعه موسیقی ایرانی بنوازد. اجرای دلنشین موسیقی توسط این نوازنده جوان با استقبال و تحسین حاضران در مجلس روبرو شد.

## خالی از شوخی

بقیه از صفحه ۲۷

نبود. کجا رفته بود؟ دور و برم را نگاه کردم. او را دو سه نیمکت آن طرف‌تر دیدم که با یک دختر دیگر همدیگر را بغل کرده بودند و سر و صورت همدیگر را می‌بوسیدند. هنوز مرا ندیده بود. بدجوری به هم نزدیک شده بودند. دو سه دقیقه نگاهشان کردم تا فهمیدم من آنجا هستم و به طرف من آمد. سرش را پایین انداخته بود.

پرسیدم: این کی بود؟

خندید و گفت: یک دوست دختر. حسودیت شد؟

گفتم: هنوز ما نامزد نشده تو شروع کردی به خیانت کردن!

چیزی نگفت و چند ثانیه مکث کرد. بعد با نگاه عمیقی به من خیره شد و گفت: اهل صیغه هستی؟

گفتم: قصد ازدواج دائم بود. می‌خواستیم بیام پیش بابات خواستگاری.

خندید و گفت: می‌دونم! منظوم از صیغه این بود که می‌خواهی دوست مرا صیغه کنی؟

گفتم: خودش قبول داره؟

گفت: آره، چه جورم!

گفتم: می‌دونه که می‌خوام با تو نامزد کنم؟

گفت: آره!

یکباره تمام حسادت‌م مثل تابر پنجر شده از باد خالی شد و یک احساس قشنگ و خوب به

## احمدی‌نژاد و دفاع از «قانون اساسی و حقوق...»

بقیه از صفحه ۱۳

قضایی. و اگر رییس‌جمهور «منتخب» مردم نتواند از یک زندان دیدن کند، انتظار چه توانایی را از او می‌توان داشت؟

سوالی که می‌ماند این است که چه عاملی احمدی‌نژاد را واداشته است که اکنون به یاد زندانیان و قانون اساسی و «حقوق اساسی» مردم بیفتد و رییس‌قوه قضاییه را علنا به چالش بکشد؟ او که همچون مخاطبش مدعی شده که در ایران زندانی سیاسی و عقیدتی وجود ندارد اکنون آیا برای جانین حرفه‌ای دل سوخته است؟ و او که خود از انتخاباتی مخدوش سر برآورده و در سایه خشونت و سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام توانسته دولت خویش را تثبیت کند اکنون به یاد «اجرای عدالت و رسیدگی دقیق به حقوق مردم» افتاده است؟ و یا او که متهمان به فساد (رحیمی) و شکنجه و قتل (مرتضوی) و امثال آنان را تحت حمایت خود گرفته و به شدت از آنان دفاع می‌کند می‌تواند ادعا کند که قصدش از «سرکشی از زندان‌ها و برخی دادگاه‌ها نحوه اجرای اصول قانون اساسی و رعایت حقوق اساسی ملت» است؟ او و دیگران می‌دانند که او جزوی از یک نظام فاسد و فسادپرور و

من دست داد.

چند بار سرم را به علامت قبولی پیشنهاد او تکان دادم.

نیم ساعت بعد طرف‌های غروب کمی سرد ماه شهریور از پله‌های پارک بالا آمدمیم تا به طرف خیابان برای گرفتن تاکسی برویم. دست‌هایم سرد بودند. یکی از آن‌ها را در شلوار جین دخترک فرو کردم و دیگری را در جیب مانتوی دوستش که در کنار ما راه می‌رفت. بالای پله‌ها توی خیابان به پوستر بزرگ دیواری خامنه‌ای نگاه کردم و بی‌اختیار با دو انگشت برایش علامت پیروزی فرستادم...

## حل سودکو شماره قبل

۹	۲	۷	۳	۴	۶	۸	۱	۵
۳	۴	۶	۸	۱	۵	۹	۲	۷
۸	۵	۱	۹	۷	۲	۶	۳	۴
۱	۳	۲	۷	۸	۴	۵	۹	۶
۶	۷	۹	۱	۵	۳	۲	۴	۸
۴	۸	۵	۲	۶	۹	۱	۷	۳
۲	۱	۸	۵	۳	۷	۴	۶	۹
۵	۶	۳	۴	۹	۱	۷	۸	۲
۷	۹	۴	۶	۲	۸	۳	۵	۱

## جدول سو دکو این شماره

								۸
				۵	۳		۲	۴
			۹		۱		۵	۶
		۵	۳			۶	۹	۱
							۳	
	۸	۶					۵	۷
		۶		۷			۸	۴
			۹	۶			۴	۷
۳								۶
۳								۶

جنایت‌پیشه است که در قاموس آن «عدالت و رسیدگی دقیق به حقوق مردم» جایی ندارد و سنگ حمایت از قانون اساسی و حقوق مردم به سینه زدن، چیزی جز یک پوشش فریب‌دهنده برای رقابت‌های درون حکومتی نیست.

از طرف دیگر، او که دیگر نمی‌تواند برای بار سوم به ریاست جمهوری اسلامی برسد که بگوییم برای جلب آرای مردم به فریبکاری رو آورده است. ولی در این وانفاسی تحریم اقتصادی و سقوط ریال و تورم سرسام‌آور و بحران بی‌سابقه‌ای که سیاست‌های داخلی و خارجی مشترک او و ولی فقیه ایجاد کرده چه راهی بهتر برای فرار از مسئولیت و انحراف افکار عمومی وجود دارد؟ نظام فسادپرور و بحران‌آفرین جمهوری اسلامی از درون در حال فروپاشی است و در این شرایط بسیاری از کنشگران درون آن برای فرار از مسئولیت و نجات خود از پاسخگویی به تکاپو می‌افتند. علم‌قانون اساسی و حقوق مردم را برافراشتن و خود را در مقام یک قهرمان ملی نشانیدن یکی از راه‌هایی است که می‌توان برای فرار از این مخمصه و مسئولیت برگزید. احمدی‌نژاد نبض مردم را در دست دارد و نفرت آنان از روحانیت حاکم را به خوبی درک کرده است، و مواضع ضد آخوندی و اقدام متهورانه اخیر او ابزار مناسبی برای فاصله گرفتن از آنان و سلب مسئولیت خود از بحران امروز در اختیار او می‌گذارد - ابزاری که او ظاهراً در صدد است در هفته‌ها و ماه‌های آینده که عواقب وخیم این بحران تجلی می‌یابد بیشتر از آن استفاده کند.

## افقی

- ۱ - پایتخت هائیتی در آمریکای مرکزی - شهرها.
- ۲ - شهر آبلیمو - پرچم - عزیز و ارجمند.
- ۳ - پل یا جوجه تیغی - ماهی از سال میلادی - کشتی جنگی.
- ۴ - یک قسمت از ۲۴ قسمت شبانه‌روز - کاشف میکروپ سل - مارکی بر انواع ماشین - دوتایبش بهتر از یکی می‌رسد.
- ۵ - از انواع انگور - رنگی گیاهی.
- ۶ - اهل شهر زادگاه و روزنامه‌ای در ایران - از انواع ورزش‌ها.
- ۷ - مجازات شرعی - پیشاوند نفی کلمه - زبان کرده - ترشروی.
- ۸ - اصل و مایه چیزی - از انواع زاویه، قبضه شمشر - استانی است در شبه قاره.
- ۹ - عمیق‌ترین چاه - هنر هفتم - ضمیر جمع - از اعیاد ویتنامی.
- ۱۰ - کنایه از بخشنده و دلیر است - شور و غوغا.
- ۱۱ - سهل و آسان - از شهرک‌های غرب تهران.
- ۱۲ - واحد زمان در بعضی ورزش‌ها - عوامفریبی - باران اندک - فارسی خودمان.
- ۱۳ - کلمه تعبیل و پرسش - پیش از اسلام به مناطق یهودی‌نشین غرب آسیا اطلاق می‌شد - نانوا.
- ۱۴ - نقاش مینیاتوربست مشهور اوایل دوره صفوی - آدم‌های زنگ از آب هم می‌گیرند - از نیروهای سه‌گانه ارتش.
- ۱۵ - واحد پولی است - این هم مرکبی است.

## عمودی

- ۱ - فیزیکدان معاصر ایران مولف کتاب «حساسیت سلول‌های نئوالکترونیک».
- ۲ - زبان مردم ایران - پهلوان و نترس - پرندای لذیذ گوشت.
- ۳ - روسری زنانه، چادر - بسیار دردناک - ماه نهم با املائی غلط.

## گفت و گو با مجید کلاه دوزان، داور بین‌المللی

بقیه از صفحه ۳۵

که کارم را با آقای موسویان شروع کنم که این برای من یک کار جدید حساب می‌شود و یک برنامه‌ریزی جدید را هم شروع کرده‌ایم.

من وقتی با آقای کرباسچی شروع کردم، جوانان جهان سال ۲۰۰۵ در جمهوری چک بود و خوشبختانه این دوره، سال ۲۰۱۲ هم، که با آقای موسویان شروع کردم، دوباره جوانان جهان در جمهوری چک بوده. به هر حال ما برنامه‌ریزی کردیم که برای المپیک آینده به همت خودمان و کمک دوستان و یاری خداوند در این مسابقات حضور داشته باشیم.

## احمدی‌نژاد آماده درگیری است؛ خامنه‌ای...

نماید. ممکن است از همین زبان علیه خامنه‌ای هم استفاده کند.

طرح احمدی‌نژاد این بود که یکی چون مشایی را رییس‌جمهور سازد و خود رییس‌جمهور واقعی باشد، نه این که به دستمال نجاسات جمهوری اسلامی تبدیل شود. حال که چنین شده، او هم چون اره عمل کرده و اره را به حرکت در آورده است. او به گروهی تعلق داشت که در تاریکخانه‌ها دست به عمل می‌زدند، بدون آن که هزینه‌ای پرداخت کنند. اما قهرمان آزادی‌خواهی و دفاع از حقوق بشر شدن بازی قدرت نیست. **برگرفته از پایگاه اینترنتی «رادبو فردا»**

«ایرانیان»: از آنجا که منابع و ارجاعات ذکر شده در پانویس این مقاله کلاً مربوط به سایت‌های مختلف اینترنتی و در نتیجه صرفاً قابل استفاده الکترونیکی بود از آوردن آن‌ها در اینجا خوداری شد.

## جدول این شماره

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

- ۱۴ - آرزوهای بسیار - دنیای باقی - واگیری بیماری.
- ۱۵ - از گنجینه‌های ادب فارسی یادگار مولانا جلال‌الدین رومی.
- ۴ - همنشین برهمن - کوسه دریای جنوب - نشان و علامت - ضمیر سوم شخص مفرد.
- ۵ - حرارت بالای ۳۷ درجه - از جمله مصالح ساختمانی - کنایه از مقاومت و استواری است.
- ۶ - برگزیده - خواب نیمروزی.
- ۷ - برنج آبکش شده - آرزوی بزرگ - مجمع الجزایری در شرق جزیره فورمز.
- ۸ - پرستار و خادم - دختر پدر مرده - یک اصله درخت کنار.
- ۹ - مشهور و معروف - پایندانی - ناگهان به زبان عامیانه.
- ۱۰ - غریب و بی‌کس و تنها - منطقه‌ای در بخش فین بندر عباس.
- ۱۱ - متکبر و خودرای - موزیک حرکت نظامیان - کلمه تشبیه و ندا.
- ۱۲ - میوه و ثمر - کاسه چوبی - وای به روزی که دو تا شود! - حیوانی اهلی و فربه که مسلمانان آن را نجس می‌دانند.
- ۱۳ - گودال و مفاک - عینک نمی‌آموزد - از ورزش‌های تیمی.

## حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
پ	ک	ی	ا	و	ب	ن	س	ا	ز	ی				
ا	ر	ب	ا	س	ی	ل	س	ف	ل	ه				
ر	ش	ت	ه	ش	ا	ر	ب	ح	م	س				
د	د	ر	س	ی	ن	ی	ن	ص	ک	ا				
ی	ن	ج	ا	ر	ن	و	غ	ا	ن	د				
ن	م		ب	خ	ی	ل	م	ر	ی	ه				
۶	ا	خ	ت	ن	ب	و	ش	ه	ک	ب	ا			
۸	پ	ژ	م	ا	ن	ش	ف	ا	ک	ل	ا			
۹	ی	ر	ا	غ	ح	ک	ی	م	ا	ن	ک			
۱۰	ر	م	ل	ی	ر	د	ر	ا	ن	ق	ض			
۱۱	ا	م	ی	ک	ا	ی	م	و	ه	ن	ا			
۱۲	ن	ح	و	ل	ت	ب	ا	ه	ا	پ				
۱۳	ش	م	ا	ر	ه	ب	ی	ا	ن	م	ج			
۱۴	ر	م	ن	م	د	م	د	ی	ک	ی	و			
۱۵	ر	ه	ا	م	ا	ج	ا	ی	ا	ن	ی			